

دندان پرکرده و زبان کوچک‌تان را به کسی

نشان ندهید

مریم ملی | روزنامه نگار

خمیازه چیز عجیب و غریبی است حتی اگر دوست‌تان را که نیمکت آخر آن طرف کلاس می‌نشیند، در حال خمیازه کشیدن ببینید خیلی سریع شما هم خمیازه‌تان می‌گیرد. حالا توی کلاس و دور همی‌های عادی شاید خیلی به چشم نیاید ولی دهان دره کردن توی جمع‌های رسمی خیلی ناچور است. مخفی کاری راه ساده‌و آسان‌وبی در دسر این وقت‌هاست؛ طوری خمیازه بکشید که دیگران تعداد دندان‌های پر کرده و اندازه‌زبان کوچک شما را سال‌ها به خاطر نداشته باشند. همه ماعادت‌های روی مخ زیادی داریم و وقتی تنها هستیم آن قدر تکرارش کرده‌ایم که گاهی توی جمع دیگر نمی‌شود کنترلش کرد؛ مثلاً پاهای مان را به میز تکیه و مثل تاب تکان می‌دهیم یا ته بشقاب را آن قدر با قاشق می‌کشیم تا آخرین مولکول‌های باقی مانده غذا هم کنده شود. بعضی عادت‌ها بدون این که بفهمیم حال بقیه را به هم می‌زند و نمی‌گذار د تمرکز کنند. شاید دیده باشید بعضی‌ها عادت دارند خود کار را توی گوش‌شان فرو کنند و بچرخانند یا مثلاً با پاشنه کفش‌شان روی موزاییک و سرامیک ضرب می‌گیرند و صدایش توی سلول‌های خاکستری مغز آدم می‌پیچد. رفتارهای غیرارادی زیادی هست که الان حتماً توی ذهن‌تان کلی نمونه برایش پیدا کرده‌اید؛ این‌ها عادت‌هایی است که به راحتی نمی‌شود کنارشان گذاشت ولی مطمئن باشید اگر به سال‌های بعد موکولش کنید حالا حالا‌ها دست از سرتان بر نمی‌دارد.

پیشنهاد



صفحه نوجوانان
روزهای فرد

رققا سلام!
هفته نوبل شروع شده و خوره‌های حوزه‌های مختلف علم، این روزها چشم‌نسون به آکادمی نوبله تا تأثیرگذارها و کادریست‌ها رو معرفی کنه. برگزیده‌های شاخه پزشکی امروز اعلام شدن و خبر خوب این‌که اکتشاف برنده‌های امسال راه رو برای کشف روش‌های جدید مبارزه با کم‌خونی، سرطان و کلی بیماری‌های دیگه هموار می‌کنه.



ایده و اجرا: محمدعلی رحمت‌پور، سعید مرادی

بیرس تا بگم

راه و رسم چاپ کتاب در نوجوانی

نوجوانی ۱۲ ساله هستیم. به نوشتن داستان‌های تخیلی علاقه زیادی داریم. به تازگی در حال نوشتن داستانی چند جلدی و ادامه‌دار هستیم و اگر خدا بخواهد، می‌خواهیم به زودی آن را چاپ کنیم. تجربه‌ای در این زمینه ندارم، می‌خواهیم به من کمک کنید و بگویید چگونه می‌توانم داستانم را به چاپ برسانم و آیا اصلاً در این سن این کار ممکن است یا نه؟



سلام دوست عزیز! باعث خوشحالی است که اهداف به این خوبی داری و در صدد رسیدن به آن‌ها هستی. این تلاش و هدف‌گذاری خوب را به شما تبریک می‌گویم و امیدوارم به زودی شاهد موفقیت‌های شما باشیم اما در پاسخ به سوال‌تان باید بگویم:

۱ بازار نشر از ساختار عرضه و تقاضا پیروی می‌کند. یعنی عرضه متناسب با تقاضای مخاطبان است. متأسفانه به تازگی به دلیل مشکلات اقتصادی کشور و به خصوص گرانی زیاد کاغذ و به تبع آن کتاب، تقاضا کم شده است و افرادی شانس انتشار کتاب را دارند که برای مخاطبان شناخته شده باشند تا ناشر خطر سرمایه‌گذاری روی اثر آن‌ها را بپذیرد. یعنی شما باید کتاب‌تان را به ناشر بدهید و او در ازای دادن حق‌التحریر به شما، تمام امتیاز یا بخشی از آن را برای یک یا چند چاپ بخرد که در شرایط فعلی دور از ذهن است. طبیعتاً اثر را باید با محتوای خوب و جذاب خودش مقایسه کنند نه نام خالق آن اما واقعیت امروز بازار نشر ما چیز دیگری است و ورود به آن راحت نیست.

۲ یک حالت دیگر برای چاپ کتاب، همکاری با ناشرانی است که به صورت مشارکتی روی چاپ سرمایه‌گذاری می‌کنند. این گروه نسبت به گروه اول که در بخش قبل توضیح داده‌شد، اعتبار کمتری دارند و مخاطبان هم کمتر آن‌ها را می‌شناسند.

یک ناشر خوب در دیده‌شدن و فروش کتاب نقش مهمی دارد. در این حالت شما بخشی با همه هزینه چاپ را می‌پردازید و ناشر کتاب را چاپ و توزیع می‌کند. در مواردی ناشر حتی کتاب را توزیع هم نمی‌کند و فقط از امتیاز اجازه نشرش استفاده می‌کند تا شما کتاب را چاپ کنید و بعد همه نسخه‌ها را در اختیار شما قرار می‌دهد که بفروشید. در چنین حالتی امکان دیده‌شدن کتاب خیلی کم است و از آن مهم‌تر تمام سرمایه‌گذاری به عهده خود شماست.

۳ کاش درباره محتوا و مخاطب هدف کتاب‌تان توضیح دقیق‌تری می‌دادید تا شما را کامل‌تر راهنمایی می‌کردم. متناسب با آن چه گفتید و در ادامه بخش اول پاسخ‌ها، به این نکته توجه داشته باشید که مخاطب نوجوانی که به دنبال داستان‌های تخیلی است، آثار دیداری و نوشتاری خوبی را در دسترس دارد که رقابت با آن‌ها دشوار است.

گمنام یا مشهور بودن یک نویسنده دلیل قطعی برای موفقیت یا موفق نشدن آثارش نیست اما اگر می‌خواهید نویسنده موفقی باشید، باید تصویر دقیقی از مزیت‌های نسبی قلم، ذهن و خلاقیت‌های خود در نویسندگی داشته باشید. چرا باید مخاطب، داستان شما را انتخاب کند؟ اثر شما چه برتری نسبت به آثار مشابه داخلی و خارجی دارد؟ مخاطب شما چه ویژگی‌هایی دارد و از چه چیزهایی لذت می‌برد؟ جذب چه محتوایی می‌شود؟ آیا صرف نوشتن یک داستان خوب، برای موفقیت کتاب کافی است؟

۴ فراموش نکنید که «جی‌کی‌رولینگ»، نویسنده معروف‌ترین کتاب دنیای نوجوانان یعنی هری‌پاتر تا قبل از نوشتن این کتاب گمنام بوده اما با سال‌ها مطالعه و تلاش، جهانی را خلق کرده است که هنوز هم برای خیلی‌ها تازگی دارد. شاید در ۱۲ سالگی هم بتوان نویسنده موفقی بود اما اگر در گام اول موفق نباشید ممکن است از ادامه مسیر دل‌سرد شوید. پس بهتر است برای تضمین بهتر موفقیت‌تان زیاد مطالعه کنید. عجله نداشته باشید. از نوشتن در نشریات دانش‌آموزی و صفحات ویژه نسل خودتان مثل همین «جوانه» شروع کنید تا با مشکلات این کار و بازخوردهای مخاطب آشنا شوید. فراموش نکنید شما فرصت‌های زیادی دارید که سرمایه بزرگ‌تان برای موفقیت خواهد بود اما اگر از طریق برخی ناشران که در برابر دریافت پول کتاب چاپ می‌کنند، وارد این فضا بشوید هیچ وقت فرصت نخواهید داشت که از مسیر درست دیده‌شوید. ناشران حرفه‌ای، نقد دقیقی روی آثار دارند و این امکان را برای شما فراهم می‌کنند که با نقاط ضعف کارتان آشنا شوید و ناشرانی که پولی کتاب چاپ می‌کنند، لزوماً تخصص و تعهد کافی برای اصلاح کار را ندارند. امیدوارم با تلاش زیاد، رفتن به کلاس‌های داستان‌نویسی و تمرین نوشتن، آن قدر پیشرفت کنید که خود ناشران برای چاپ کتاب به شما پیشنهاد دهند.

✓ شما هم سوال‌های‌تان را به شماره‌های بالای صفحه بفرستید تا با کمک کارشناس‌های صفحه بهشان پاسخ بدهیم

مینی مهارت

یک گلدان نعناع

الهام حبیشی | روزنامه نگار

نعناع از آن گیاهانی است که حتی با فکر کردن به برگ‌های سبز و تازه‌اش، می‌توانید عطرش را در بینی‌تان استشمام کنید. خوبی این گیاه سرحال و معطر این است که می‌توانید خیلی راحت در یک گلدان متوسط بکارید و به منزل‌تان زیبایی و طراوت ببخشید. نعناع به سرعت ریشه می‌دواند و پرپشت می‌شود. یک بسته از بذرتازه این گیاه را از گلخانه تهیه کنید و بکارید. روش دیگری هم وجود دارد که خود کفایی بیشتری دارد. هروقت برای مصرف خانگی سبزی تازه تهیه کردید، چند ساقه سالم و قوی‌تر نعناع را که سر شاخه‌دار هستند جدا کنید و در آب بگذارید. به گیاه کوچک گل‌مانندی که سر شاخه‌های نعناع وجود دارد، سر شاخه می‌گویند. یادتان بماند که باید برگ‌های پایین ساقه‌ها را با احتیاط جدا کنید. با یک کارتیز، انتهای ساقه‌های انتخاب‌شده را یک برش تازه بدهید. حالا نعناع‌ها را در مکانی که به حد کفایت نور گیر باشد، قرار دهید. حواستان باشد که آفتاب مستقیم گیاه شما را خشک خواهد کرد. یک تا دو هفته بعد نعناع‌ها ریشه می‌کنند و آماده کاشتن خواهند شد. ابتدای کار، ساقه‌های گیاه را با سیخ‌های چوبی مخصوص کباب محکم ببندید. علاوه بر این مراقب باشید تا خاک گلدان‌تان به کلی خشک نشود و مرطوب باقی بماند. یک گلدان قشنگ و ظریف نعناع که خودتان آن را درست کرده‌اید، می‌تواند هدیه خوبی برای یک دوست باشد.



عجایب

دریاچه‌هایی با قابلیت تغییر رنگ

دریاچه‌هایی با ویژگی‌های خاص و متفاوت در جهان کم نیستند اما بی‌تردید دریاچه‌های واقع در دهانه آتشفشانی کوه کلیمنووی اندونزی چیز دیگری هستند. رنگ این دریاچه‌ها هر لحظه بین سبز، آبی، قرمز و حتی مشکی ممکن است تغییر کند. این تغییر رنگ از هیچ نظمی پیروی نمی‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند رنگ بعدی را حدس بزند. برخی بر این باورند در آب این دریاچه مواد معدنی خاصی وجود دارد که به محض ترکیب شدن با گازهای آتشفشانی تغییر رنگ می‌دهند اما نمی‌توان با قاطعیت کامل صحت این مطلب را تایید کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت گازهای آتشفشانی یک نوع محرک برای تغییر رنگ دریاچه‌ها هستند.



دختری که دوست کلاغ‌هاست

حتماً شما هم چیزهایی درباره علاقه‌مندی کلاغ‌ها به جمع‌آوری اشیای براق و فلزی شنیده‌اید. حالا این اتفاق به شکل بامزه‌ای در سیاتل آمریکا رخ داده است. ماجرا از این قرار است که دختری عادت داشته به کلاغ‌های اطراف خانه‌شان غذا بدهد. او مدتی بعد متوجه می‌شود که کلاغ‌ها به شکل مخصوص خودشان از او سیاه‌گزاری می‌کنند. به این ترتیب که آن‌ها برای او اشیای فلزی جالبی پیدا می‌کنند و می‌آورند. حالا این دختر با کمک و همکاری کلاغ‌ها مجموعه‌ای جالب از اشیاء جمع‌آوری و توجه رسانه‌ها را به خودش جلب کرده است.

بالتازار

چرا فضا تاریک و سیاه است؟

ستاره‌ها از خودشان نور تولید می‌کنند در حدی که ستاره منظومه شمسی ما یعنی خورشید می‌تواند آسمان کل سیاره‌های خودش را روشن کند پس با وجود این همه ستاره بزرگ و درخشانده چرا باید فضا این قدر تاریک و سیاه باشد؟ وقتی عکس‌های فضا نوردان در فضا را تماشا می‌کنید می‌بینید که در همه آن‌ها، پس زمینه عکس کاملاً سیاه است. راز این که چشم ما اشیای مختلف را می‌بیند و تشخیص می‌دهد این است که وقتی نور به اجسام می‌خورد به چشم ما برمی‌گردد؛ تازه از بین همه نوری که به جسم تابیده شده فقط بخشی از آن بازتاب می‌کند و به چشم ما می‌رسد یعنی بخش قابل توجهی از نور جذب اشیاء می‌شود. در فضا دیگر خبری از مولکول هوا نیست که بخواد نوری را که از ستاره‌ها می‌تابد بازتاب دهد و به چشم ما



برساند به همین دلیل محیطی که به آن فضا می‌گوییم کاملاً تاریک دیده می‌شود مگر این که جسمی در مسیر دیدمان قرار گرفته باشد تا نور به آن بتابد و به چشم ما بازتاب کند. اگر دقت کنید سیاره‌ها و قمرها که نوری از خودشان ندارند به خاطر بازتاب کردن نور ستاره‌ای که نزدیک‌شان است، روشن و واضح دیده می‌شوند پس تاریکی در فضا به معنای نبودن نور نیست. جویز بین دلیل ترکیب‌های تشکیل دهنده‌اش بخش آبی از طیف نور خورشید را بیشتر پخش می‌کند و باعث می‌شود شما آسمان روز را آبی ببینید؛ از طرف دیگر شدت نور خورشید به حدی است که اجازه نمی‌دهد ستاره‌ها در روز دیده شوند پس ما یک آسمان آبی روشن می‌بینیم در حالی که بیرون از سیاره ما همه جا تاریک است.